

آن که شد کشته او...

بارها از زبان اندیشمندان و شخصیت‌های علمی، سیاسی، مذهبی و... مسلمان و غیرمسلمان درباره اهمیت و عظمت قیام عاشورا و منحصر بفرد بودن آن و دستاوردها و نتایج آن برای تاریخ بشریت شنیده‌ایم.



جام جم آنلاین: بارها از زبان اندیشمندان و شخصیت‌های علمی، سیاسی، مذهبی و... مسلمان و غیرمسلمان درباره اهمیت و عظمت قیام عاشورا و منحصر بفرد بودن آن و دستاوردها و نتایج آن برای تاریخ بشریت شنیده‌ایم.

شاهد بوده‌ایم که چگونه این قیام امام(ع) و اصحابش را پیش‌تازان و شهسواران عرصه شرافت و نیک‌نامی در تاریخ ساخته است و چگونه تصمیم ابراهیم‌گونه حسین(ع)، نام او را بسا بیش از خلیل خدا در اعصار تاریخ بر سر زبان‌ها انداخته است و دانسته‌ایم که اثربخشی این قیام بر ابناي بشر چه بسا بیش از دعوت و مجاهدت انبیای الهی بوده است.

اما نه هیچ يك از این موارد و نه کل آنها، دلیل موجه این قیام نیست. چرا که قرار است در این مصاف، نه تنها اباعبدالله جان خود را از دست دهد بلکه ده‌ها اسماعیل نیز به پیروی از او روانه قربانگاه شوند.

چگونه است که در هیچ يك از روایت‌های روز واقعه، نه تنها تزلزل در گفتار و کردار امام حسین - که ذات مقدسش از تزلزل بری است - شاهد نیستیم بلکه حتی در گفتار و اعمال اصحاب شهیدش و بازماندگان به اسارت گرفته شده - به ویژه حضرت زینب کبری - چنان استواری‌ای را شاهدیم که از ذره‌ای شک و دو دلی و ندامت بیگانه است.

چنین ایمانی مولود نگرش توحیدی‌ایست ژرف که به بیانی عالی در دعای عرفه از زبان سالار این قیام بیان گردیده است، آنجا که معشوق و معبودش را چنین توصیف می‌کند: «لَيْسَ لِقَضَائِهِ دَافِعٌ وَ لَا لِعَطَائِهِ مَانِعٌ وَ لَا كَصُنْعِهِ صُنْعُ صَانِعٍ» (هیچکس در عالم سر از حکم و فرمانش نتواند کشید و بخشش او را منع نتواند کرد و هیچ صانعی در آفرینش مانند صنع او پدید نتواند ساخت).

دلیل راه قیام حسین، آن معبودی است که حکمش هیچ دافع و گردنکشی ندارد و آنچه بخواهد آن شود. و این شهسوار شرافت و نیک‌نامی در تمام تاریخ، خود را در برابر این معبود چنین توصیف می‌کند: «وَ رَأَيْتُ عَلَى الْمَعَاصِي فَلَمْ يَشْهَرْ نِي» (مرا در حال عصیان بسیار دیدی و بی‌آبرویم نفرمودی) و هرچند معصوم، گناه نمی‌کند ولی امام، خود و همه خلائق را در برابر معبودش چنان فقیر و نیازمند می‌بیند که گویی به جای آوردن حق او و عصیان نورزیدن به درگاهش را - و در اینجا عصیان و عصمت را باید به معنای عرفانی این اصطلاحات دریابیم و نه به معنای فقهی آنها - امکان‌پذیر نمی‌داند: «تویی که به خلق عطا فرمودی تویی که فقیر را غنی ساختی تویی که سرمایه دادی تویی که پناه دادی» و اگر عصمتی هم در بندگان خاص او هست، عطای خود اوست: «تویی که هدایت کردی تویی که خوبان را عصمت از گناه، کرامت کردی»

حاصل این‌که قیام عاشقانه امام حسین(ع) نتیجه يك بینش است، بینشی که مبتنی بر فقر مخلوق در همه عرصه‌های وجودی و ماهوی در برابر معبود است: «ای آنکه بر ملك وجود مالکی و بر هر چیز توانا و قادری و قاهر» پس عطای جان خود و ذبح ده‌ها اسماعیل به پای این معبود، چندان دشوار نیست، اما ایمان حسین‌وار به این بینش، ایمانی است کمیاب؛ اگر نگوییم نایاب.

حسین برید - جام جم